



توضیحاتی به عارف عباسی

پیش از آنکه به نوشته خود شروع نمایم من از یک عده بزرگان و سرورانی که در سایت اریانا مینویسند بکمال احترام خدمت شان عرض مینمایم که بین من و شما دیوال بزرگ سنگی، من به شخصیت تان فوق العاده احترام دارم امید وارم شما بیان نوشته بنده را در حصه خود سو تعبیر نکند.

اصل موضوع:

امروز در سایت فامیلی استراحت طلبان شخص بنام جناب آقای عارف عباسی نیمچه محمد زیبی در مورد بنده حقیر و فقیر من قاسم باز و یک عده نویسندگان محترم دیگر سایت افغان - جرمن آنلاين در فشنای نموده، نمی دانم که در مغز این بیچاره مدیر جریده ویترنری حیوانات و حشرات چی نوع حشره، جا گرفته که سر خود را به این و آن دیوار میزند، این شخص مریض و ناتوان از شخص من و سردار محمد داوودخان و طرفداران آن شهید و یک عده نویسندگان دیگر این سایت دست بردار نمی شود.

این نویسنده شهیر مجله ویترنری حیوانات و حشرات وزارت زراعت و آبیاری مثل آدم های جت از هر کس که خوشش نیاید شکوه میکند، گاهی از من و گاهی از جناب قیس کبیر بخاطر مقالات و مضامین لهو لعب خود که چرا جناب انجینیر آقای قیس کبیر از ارشیف افغان - جرمن آنلاين برداشته اند، این شخص بی مغز و هفته فهم هر مشکلی که داشته همراي سایت افغان - جرمن آنلاين داشت نمی دانم چرا وی پای بنده را در این موضوع کشانده، وی از گریز و یا چار یار گفتن از سیایت افغان - جرمن آنلاين موجودیت بنده قاسم باز را وانمود ساخته در حالیکه من به این جناب تا حالا هیچ گونه بی حرمتی نکرده ام ولی هر چی که گفته ام واقعیت بود و حقیقت بود، اگر وی به این خاطر که من چرا دروغهای این فرد را افشا نموده ام، حق دارم وجدان دارم و بلاخره رسالت دارم در مقابل دوستان و هموطنان. اگر وی ادعای این را دارد که چرا قاسم باز در مقابل دروغهای ما جبهه گرفته من به این یاوه سرا میگویم که این وظیفه وجدانی و ایمانی من بود و است تا دروغهای یک عده دروغگویان را افشا سازم. من در این کار کدام کدام بدی نمی بینم، صرف کاری کردم که دروغهای یک عده یاوه سراها را درست جواب گفته ام و خیانت های یک عده را بر ملا ساخته ام، اگر من دروغهای یک عده را رسوا کردم آیا این رسوا کردن گناه است؟ اگر من گفتم که فلانی شخص از حبیب الله کلکانی یکنیم لک افغانی انوقت را بخاطر ترور یک زعیم ملی افغانستان از دشمن آن زعیم گرفت آیا این افشاگری گناه است؟ اگر من کست اعترافات یک عده افراد متهم به کودتا را نشر کردم آیا این کار من گناه است، بنظرم ابدآ نی، بلکه این کار من یک کار نیک و ثواب بود و است.

در ننگرها یک شخص از یک سرباز یعنی از یک عسکر پرسیان کرده بود، که ای برادر عسکر وظیفه تو چیست؟ عسکر بجواب گفته بود که سپاهی، باز آن شخص از عسکر پرسیان کرد که کاری تو چیست؟ عسکر گفت: لرابی (مقابله). من هم دیگر گناه ندارم صرف کار من افشا کردن دروغهای شاخدار یک عده عقده نپها مانند عباسی ها و مقابله است در برابر دروغویان و بس.

خوانندگان گرامی سایت افغان - جرمن آنلاین توجه نمایند به نوشته جدید جناب عالیقدر؟ آقای عارف عباسی تحت عنوان (توضیحات لازم پیرامون مباحث جاری) در سایت خودشان چنین مینگارند :

« با کمال تأثر و تأسف حالتی پدیدار شد که حیثیت، عزت، وقار و اعتبار نویسندگان و وابستگان و خانواده های شان دستخوش تهاجم تعرضات، اتهامات تحقیر و توهین مشتکی عقدہ مند بیگانه با اصول و موازین و پائین بودن سطح فهم و دانش در فقدان یک مدیریت سالم و مؤثر قرار گرفت و تداوم این وضع غیر قابل تحمل شده راهی جز جدایی نمیتوانست سراغ گردد.»
همچنان وی در جای دیگر مضمون بی محتوا و شکوه بی خود مینویسد:

«مثلاً چندی قبل همکار محترم ما جناب داوود ملکیار مضمونی در مورد کودتای 26 سرطان در هردو سایت نشر کرد. متأسفانه شخصی بر حسب عادت و روش کوچ و بازار با کمبود فهم و دانش و عدم مراعات اصول قبول شده نویسنده‌ی شخصی به محتویات مضمون توجه نکرده بدون این که بطور منطقی، عالمانه و مستدل و مستند در تقابل قرار گیرد، که البته هرگز توان آن را نداشت ولی، به دشنام دادن و تحقیر نمودن، مثل همیشه با مدد دیگران و مهارت خاص خود، شخصیت دانشمند و عالی مقام، فرزند برومند افغان، مرد وطن پرست، شریف و نجیب افغانستان شهید میوند وال را زیر تازیانه اتهامات و الفاظ رکیک قرار داد. در مورد شخصیتی که بیرحمانه قربانی توطئه و دسیسه نوکران کرملن (رفقای خون گرم رهبر)، گردیده و این که رهبر کودتا از شهادت او بی اطلاع بوده باشد من یک سؤالیه کلان به رنگ سرخ می گذارم)؟ اگر کسی اعتماد به خود و بر ادعای خود داشته باشد، مستند و مستدل بگوید و بنویسد هرآسی از کس نمی داشته باشد و هرگز معذرت نمی خواهد، و این یاهو سرا از ترس این که مبادا مورد مؤاخذه منطقی و مستند محترمان ولی آریا و احسان لمر قرار نگیرد میفرماید « هر وقتی بالای میوند وال می نویسم شما محترمان به یادم می آید!!! جزاک الله.»

خوانندگان گرامی

این بیچاره پوچ مغز آقای؟ عارف عباسی و این محمدزیی نیمچه که چند سال قبل در تلویزیون ضد ظاهرشاهی بنام تلویزیون پیام افغان آقای عمر خطاب کسیکه از روز تاسیس آن تلویزیون تا امروز بر ضد المتوکل الی امریکا تبلیغ سو مینمود چطور این فرد حاضر به همکاری به آن قسم فرد میشود؟

امروز این جناب عالی؟ آقای عارف عباسی این نویسنده شهیر مجله حیوانات و حشرات وزارت زراعت با دیده درایی و چشم سفیدی از جناب م داود سلام ملکیار دفاع مینماید، خوب میدانم که دفاع وی از مخالفین شهید والامقام شهید محمد داوودخان صرف بخاطر اینکه سردار محمد داوودخان به خاندان وی مقام و منزلت نبخشید.

اینکه نه بخشید را چی میکنید، اصلاً در زمان جمهوریت وقتیکه جناب عارف عباسی مدیر مجله دروزارت زراعت بود، بر اثر اختلاسی که از دست او سر زده بود وی از وظیفه مدیریت مجله حیوانات و حشرات وزارت زراعت سبکدوش، منفک و دست شان از کار گرفته شد. جناب عارف عباسی هم مانند یک پروفیسور دیگر به عین مشکلات دست و گریبان شد. درد عارف جان عباسی درد پورتال افغان - جرمن آنلاین نیست بلکه درد وی درد شکم است نه درد ملی.

من از آقای؟ عارف عباسی دو سوال بسیار ساده و بسیط دارم امید وارم جواب قناعت بخش براریم بدهد ان اینکه.

۱ - جناب عارف عباسی! برای ما گفته میتوانید که جناب مرحوم میوندوال برای بار اول از طرف کی سلی بروی خود خورد، از طرف مرحوم محمد داوودخان یا جناب ولی نعمت شما (مقام سلطنت). ایا فراموش کردی که جناب میوندوال آن عقده را که همراهی خاندان سلطنتی و مقام سلطنت گرفته بود، وی در هر مظاهره چی در پارک زرنگار و چی در پوهنتون کابل بر ضد خاندان شاه و شما شعار میداد و چی چیزهای نبود که نثار شما نمیکرد و نمی گفت. به کتاب میرمحمدصديق فرهنگ رجوع کنید، فرهنگ از زبان میوندوال در هنگام سفارت خود در بلغاریا نوشته میکند که «میوند وال از من تقاضای ملاقات خصوصی کرد ودر ضمن شکایت از اوضاع کشور گفت که:مشناء تمام نابسامانیها شخص ظاهرشاه است که هیچکس را بکار نمیگذارد.اما خوشبختانه شاه شخص کم جرأت است ومی توان او را با تهدید از صحنه خارج ساخت. سپس مرا بهمکاری در تطبیق این نقشه [کودتا] دعوت کرد.» (افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد دوم، صفحه ۸۰۶)

ایا میتوانید بگویند که فرهنگ این جملات را درمورد میوندوال از دل خود دروغ گفته است؟ میوندوال میخواست اول پایه های خاندان سلطنتی ظاهر شاه شما را از بیخ و بنیاد قطع کند بعداً از سردار محمد داوودخان را. اگر کمکی عقل و غیرت افغانی و محمدزیی میداشتی امروز نباید به دفاع کسی که فامیل ترا از بین می برد بر میخواست!

۲ - ایا جناب عبدالرحیم عبدالرحیمزی واقعاً فدایی و دوست صمیمی مقام سلطنت و خاندان محمدزی شما بود؟ ایا در محبوس بودن وی شخص شاه افغانستان هیچ دخالت نداشت؟ اگر نداشت واه بحال ملت، که بدون استیزان امر پاچا و یا مقام سلطنت یک صدراعظم وزیر مقتدر و نزدیک به شاه را بدون اجازه شاه برطرف چی که زندانی بسازد. اگر به واقعیت ملت افغان این گونه شاه داشته باشد وای بحال ما ملت، باید در سالهای چهل یک کس پیدا میشد که این گونه شاه بی خیر و سلطنت بی صلاحیت را از بین میبرد.

آقای مدیر مجله حشرات و حیوانات، جناب عارف عباسی نیمچه محمدزیی.

عبدالرحیم عبدالرحیمزی فامیل من را از بین نمی برد بلکه وی فامیل عیاش و استراحت طلب شما را از بین میبرد، افسوس به این میکنم که شما امروز از ان کسی که ترا و فامیل محمدزیی ترا به گودال تاریخ می سپرد، دفاع مینمایی! این دفاع تو نمایندگی از زبونی تو میکند. نمی دانم در قاموس افغانیت این گونه عمل را چی میگویند؟ اگر خودت واقعاً محمدزیی اصیل میبودی این کار را ابداً نمیکردی، چون محمد زیی اصیل نیستی بهمین خاطر فرق و تفکیک دوست و دشمن را کرده نمی توانی. و سلام

مونږ پښتانه یو خپله مینه باندی سر ورکو

گولی خو گورو خو بیا هم ورته ټټر ورکو.

پای